

از هرمز تا داریی های بلو که شده و لبنان؛

# چگونه ایران و اشنگتن را به عقب نشینی واداشت؟

در صفحه ۸



## بزین وارداتی یا توسعه ملی؟ مسئله‌ای به ارزش ۷۵۰ هزار میلیارد تومان

ص ۲

**کارشناس مسائل بین الملل:**

**ترامپ و نتانیاهو دوروی یک سکه اند؛**

**اختلافات بیشتر نمایشی است**

**ایران بادرس گرفتن از گذشته، مذاکرات را**

**مرحله به مرحله پیش می برد**

در صفحه ۸

**جنگ علیه ایران تنها یک شوک انرژی است**

**یا یک نقطه عطف؟**

هنوز مشخص نیست توافق صلح ایران و آمریکا یک لحظه تعیین کننده در بازار انرژی دنیا باشد یا صرفاً یک نوسان گذرا.

اختلال جنگ ایران در بازارهای جهانی نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) با معیار بشکه‌های از دست‌رفته و قیمت‌های بالاتر اندازه‌گیری می‌شود. اکنون با انتظار برای توافق صلح آمریکا و ایران جهت بازگشایی تنگه هرمز، این پرسش مطرح است: آیا این یک لحظه تعیین کننده است یا صرفاً یک نوسان گذرا؟

دو نمونه پیشین را در نظر بگیرید: رسوایی «دیزل‌گیت» فولکس واگن در ۲۰۱۵شانه افول خودروهای دیزلی و ظهور خودروهای الکتریکی بود. در مقابل، حمله روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ باعث جهش قیمت انرژی شد، اما توانایی بازار در جذب شوک، تأثیر آن را کوتاه‌مدت کرد.

بازار تاکنون در مواجهه با بسته شدن تنگه هرمز از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در ۲۸ فوریه عملکرد قابل توجهی داشته است. حداقل ۱ میلیارد بشکه نفت خام و فرآورده‌ها از تولیدکنندگان خاورمیانه از دست رفته و تا ۲۰ درصد از عرضه جهانی LNG در این آبراهه گیر افتاده است.

ترکیبی از آزادسازی ذخایر استراتژیک و تجاری و کاهش چشمگیر واردات چین به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، کمک کرده که قیمت برنت برای بخش عمده‌ای از بحران زیر ۱۰۰ دلار باقی بمانند. خوش‌بینی درباره توافق بازگشایی تنگه هرمز نیز نقش داشته است. روند توافق مورد انتظار در روز یکشنبه آغاز شد، زمانی که آمریکا و ایران اعلام کردند بر سر چارچوبی برای از سرگیری ترانزیت کشتی‌ها توافق کرده‌اند. بازگشت نفتکش‌ها به هرمز این سؤال را ایجاد می‌کند: بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟

اولین اثر، تسکین کوتاه‌مدت بازارهای انرژی با خروج نفتکش‌های گیر افتاده از خلیج فارس خواهد بود. سپس تلاش برای بازگرداندن جریان‌ها به سطح پیش از جنگ و بازسازی ذخایر تخلیه‌شده آغاز می‌شود. این فرآیند ممکن است قیمت‌ها را برای مدت طولانی‌تر بالا نگه دارد؛ اما به سرعت افزایش تولید توسط خاورمیانه و توانایی اوپک پلاس برای تحقق تعهدات تولیدی بستگی دارد.

سؤال بزرگ‌تر تأثیر بلندمدت است که به دیدگاه مصرف‌کنندگان و دولت‌ها به‌ویژه در آسیای تخته انرژی بستگی دارد.

مصرف‌کنندگانی که توانایی تغییر دارند، احتمالاً به خودروهای الکتریکی یا هیبریدی روی می‌آورند تاخود را در برابر شوک‌های قیمتی آینده بیمه کنند. در استرالیا، سهم فروش خودروهای الکتریکی و هیبریدی در مه ۶۶ درصد رسید، یعنی نزدیک به سطح چین (۶۰ درصد).

سیاست‌های دولتی نیز احتمالاً به نفع انرژی‌های تجدیدپذیر تغییر جهت خواهند داد. همان‌طور که در اروپا سهم دیزل از فروش خودرو از ۵۲ درصد در ۲۰۱۵ به کمتر از ۱۰ درصد در ۲۰۲۵ رسید. کشورهای آسیایی مانند ویتنام نیز سیاست‌های تشویقی برای وسایل نقلیه برقی اجرامی‌کنند LNG شد. نیز در آسیا در معرض خطر است، زیرا کشورهای ریسک‌های امنیتی سوخت وارداتی را در مقابل انرژی‌های تجدیدپذیر می‌ستهند.

یک سوخت فسیلی که ممکن است برنده بلندمدت این بحران باشد، زغال‌سنگ است. کشورهایی با ذخایر داخلی وسیع مانند چین، هند و اندونزی ممکن است به دلیل مزیت هزینه‌ای و امنیت عرضه، به استفاده از آن ادامه دهند.

با این حال، تغییر بلندمدت به دور از نفت و LNG قطعی نیست، زیرا تولیدکنندگان این سوخت‌ها بعید است بدون واکنش افول خود را بپذیرند. اگر قیمت‌ها سرعاً کاهش یابد و پایین بمانند، ممکن است دولت‌ها و مصرف‌کنندگان اختلال جنگ ایران را فراموش کنند، همان‌طور که پس از بحران‌های قبلی این کار را انجام دادند.

## چگونه تولید داخلی، سدراه فروپاشی اقتصاد ایران در جنگ شد

تحت شوک قرار گرفته بود؛ از تحریم‌های شدید گرفته تا نوسانات ارزی و محدودیت‌های تجاری. این تجربه باعث شد سازوکارهای تطبیقی در اقتصاد شکل بگیرد.

دوم، ایران برخلاف برخی اقتصادهای منطقه، صرفاً یک اقتصاد مصرفی نیست. کشور از پایه‌های صنعتی مهمی برخوردار است. ایران در بسیاری از بخش‌های حیاتی دارای توان تولید داخلی است؛ از انرژی گرفته تا فولاد، سیمان، پتروشیمی، دارو و صنایع غذایی. سوم، شبکه توزیع داخلی کشور با وجود فشارها توانست کارکرد اصلی خود را حفظ کند. این سه عامل باعث شدند شوک وارده به فروپاشی ساختاری منجر نشود. در روزهای بحران، معمولاً نگاه‌ها به میدان نظامی دوخته می‌شود. اما واقعیت این است که یکی از قهرمانان خاموش هر بحران، بخش تولید است. هر کارخانه‌ای که در شرایط فشار به کار ادامه می‌دهد، بخشی از بار امتی ملی را بر دوش می‌کشد. هر خط تولیدی که متوقف نمی‌شود، هر محموله‌ای که به بازار می‌رسد و هر کالای اساسی که کمبود پیدا نمی‌کند، بخشی از تاب‌آوری کشور را تقویت می‌کند.

جنگ اخیر بار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که تولید داخلی دیگر صرفاً مسئله رشد اقتصادی نیست. تولید، امروز بخشی از قدرت ملی است. اگر کشور در شرایط بحران نتواند نیازهای اصلی خود را از داخل تأمین کند، وابستگی بیرونی می‌تواند به بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن تبدیل شود. ایران در این آزمون نشان داد در بسیاری از حوزه‌های کلیدی، توان استنادی دارد.

**از دارو تا فولاد: صنایع راهبردی چگونه عمل کردند؟**

تولدت اخیر نشان داد حفظ پایداری این صنعت تا چه اندازه مهم است. در حوزه دارو، اهمیت تولید داخلی پیش از همیشه مشخص شد. در حوزه انرژی نیز روشن شد که پایداری شبکه تا چه اندازه با امنیت ملی گره خورده است. در صنعت فولاد و پتروشیمی نیز استمرار تولید، بخش مهمی در حفظ جریان اقتصادی داشت. این یعنی اقتصاد دفاعی فقط یک مفهوم نظری نیست؛ در دل کارخانه‌ها معنا پیدا می‌کند.

**بخش خصوصی: حلقه‌ای که باید جدی‌تر دیده شود**

یکی از نکاتی که جنگ اخیر برنگت تر کرد، نقش بخش خصوصی بود. با این واقعیت را بپذیریم که دولت به تنهایی نمی‌تواند بار اقتصاد دفاعی را به دوش بکشد. شبکه گسترده‌ای از تولیدکنندگان، پیمانکاران صنعتی، شرکت‌های حمل‌ونقل، واحدهای فناوری، صنایع کوچک و متوسط در حفظ پایداری اقتصاد نقش دارند. هرچه این شبکه چابک‌تر و توانمندتر باشد، اقتصاد در شرایط بحران مقاوم‌تر خواهد بود. به همین دلیل، از کارشناسان معتقدند تقویت بخش خصوصی در صنایع راهبردی باید به اولویت تبدیل شود. گامی تصور می‌شود تمرکز بر اقتصاد دفاعی یعنی افزایش سهمی از صنایع تولیدی در این حرفه‌است. سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی فقط برای دوران جنگ نیست. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی معمولاً باعث رشد فناوری، اشتغال، نوآوری و به‌روری صنعتی و حتی توسعه زیرساخت می‌شود. به همین دلیل بسیاری از اقتصادهای بزرگ دنیا، صنایع راهبردی را صرفاً هزینه نمی‌بینند؛ بلکه آن را سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌دانند. برای ایران نیز همین نگاه اهمیت دارد. تقویت تولید داخلی پاسخ به شرایط جنگی نیست؛ بخشی از مسیر توسعه اقتصادی کشور است.

شاید مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان از تحولات اخیر گرفت، این باشد که امنیت و اقتصاد از هم جدا نیستند. قدرت دفاعی فقط در پایگاه‌های نظامی ساخته نمی‌شود. بخش مهمی از آن در کارخانه‌ها، مراکز صنعتی، بنادر، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های لجستیکی شکل می‌گیرد. جنگ اخیر نشان داد ایران با وجود سال‌ها تحریم و محدودیت، توانسته ساختاری ایجاد کند که در برابر شوک‌های بزرگ، سریع‌تر فرو نریزد. البته این نکته را نیز باید گفت که این به معنای بی‌دشمنک نیست. اقتصاد ایران همچنان با چالش‌های مهمی روبرو است؛ از سرمایه‌گذاری و بهره‌وری تا نوسازی زیرساخت‌ها. ولی تجربه اخیر یک پیام روشن و مهم در برداشت. کشوری که بتواند حتی در سخت‌ترین شرایط چرخ تولید را متوقف نکند، از یک مزیت راهبردی برخوردار است.

تحولات اخیر بیش از هر چیز یک واقعیت را آشکار کرد؛ جنگ‌های مدرن فقط آزمون توان نظامی نیستند، بلکه آزمون ظرفیت اقتصادی کشورها نیز هستند. در چنین شرایطی، آنچه می‌تواند یک کشور را سرپا نگه دارد، صرفاً تجهیزات نظامی نیست؛ بلکه اقتصادی است که بتواند تولید کند، ذخیره تأمین را حفظ کند و نیازهای حیاتی جامعه را پاسخ دهد. ایران در حالی وارد این آزمون شد که سال‌ها تحت تحریم و فشار خارجی قرار داشت. بسیاری انتظار داشتند این فشارها در نخستین شوک جدی، اقتصاد کشور را از پا در آورد اما رخدادها نشان داد اقتصاد ایران با وجود آسیب‌پذیری‌ها، از تاب‌آوری قابل توجهی برخوردار است. با وجود حمله به برخی زیرساخت‌ها، تولید به‌طور کامل متوقف نشد، بازار کالاهای اساسی فرو نریخت و کشور وارد ورشکستگی اقتصادی نشد. این تجربه یک پیام روشن برای آینده دارد؛ قدرت دفاعی پایدار بدون اقتصاد قوی شکل نمی‌گیرد. هرچه سرمایه‌گذاری در تولید، فناوری، صنعت و زیرساخت‌های راهبردی بیشتر شود، تاب‌آوری ملی نیز افزایش خواهد یافت. در جهان امروز، امنیت فقط پشت سامانه‌های دفاعی ساخته نمی‌شود؛ امنیت در کارخانه‌ها نیز تولید می‌شود.

جنگ تحمیلی سوم و حمله نظامی آمریکا به ایران، آزمونی جدی برای سنجش تاب‌آوری اقتصاد کشور بود؛ آزمونی که در آن، با وجود آسیب به برخی زیرساخت‌ها، محاصره دریایی و تدام فشارهای تحریمی، چرخ تولید و تأمین کالا از حرکت بازماند و بار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که در جهان امروز، امنیت فقط پشت سامانه‌های دفاعی ساخته نمی‌شود، بلکه در کارخانه‌ها نیز تولید می‌شود.

جنگ تحمیلی اخیر فقط میدان تقابل نظامی نبود؛ آزمونی بود برای سنجش توان واقعی اقتصاد ایران در شرایط فشار همزمان امنیتی، تحریمی و روانی؛ بسیاری از تحلیلگران خارجی بویژه تصمیم‌گیران کاخ سفید تصور می‌کردند اگر زیرساخت‌های حیاتی، مسیرهای تأمین و بخش‌هایی از شبکه اقتصادی ایران تحت فشار قرار گیرد، اقتصاد کشور با اختلالی جدی روبه‌رو خواهد شد. اما آنچه در عمل رخ داد، تصویر متفاوتی را نشان داد.

با وجود حمله به برخی زیرساخت‌ها، فشارهای بیرونی و تداوم تحریم‌ها، نه چرخ تولید کشور متوقف شد، نه بازار

کالاها اساسی دچار فروپاشی شد و نه اقتصاد ایران به سمت ورشکستگی رفت. این تجربه یک واقعیت مهم بدون انرژی نمی‌تواند تولید کنند. جامعه بدون غذا، دارو و کالاهای اساسی ناب نمی‌آورد. به همین دلیل، مفهوم نژادی در جهان شکل گرفته که امروز بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار دارد. اقتصاد دفاعی اقتصاد نژادی به زبان ساده یعنی آمادگی برای بحران، جنگ یا فشار خارجی، عملکرد اصلی خود را حفظ کند. این مفهوم فقط درباره‌ی دوچه نظامی نیست؛ بلکه درباره ظرفیت تولید، تأمین، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و حفظ پایداری اقتصادی است. جنگ اخیر نشان داد ایران در این حوزه، پیش از آنچه برخی تصور می‌کردند، ظرفیت تاب‌آوری دارد.

**تحریم‌ها، اقتصاد ایران را وادار به سازگاری کرد**

سال‌ها تحریم بدون تردید هزینه‌های بزرگی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است؛ از محدودیت‌های بانکی گرفته تا دشواری واردات تجهیزات، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و فشار بر تجارت خارجی. اما تحریم فقط فشار ایجاد نکرد؛ یک پیام مهم هم داشت. این پیام ساده بود، هر میزان وابستگی بیشتر، آسیب‌پذیری بیشتر. سازوکارهای جدیدی برای بازسازی و تأمین‌کنندگان خارجی محدود شد، بخشی از صنایع کشور ناچار شدند مسیر دیگری انتخاب کنند که همان مسیر اتکا به داخل بود. این تغییر اگرچه همیشه سریع و بدون هزینه نبود، اما به تدریج ظرفیت‌هایی ایجاد کرد که امروز آثار آن قابل مشاهده است. بخش مهمی از توان فعلی ایران در حوزه‌های صنعتی، دارویی، پتروشیمی، فولاد، تجهیزات فنی و حتی برخی فناوری‌های پیشرفته، نتیجه همین فشارهاست.

**حمله به زیرساخت‌ها؛ آزمون واقعی اقتصاد**

یکی از شناخته‌شده‌ترین تاکیک‌های جنگ‌های مدرن، حمله به زیرساخت‌های اقتصادی طرف مقابل است. هدف روشن است، وقتی ن توان در میدان نظامی برتری سریع ایجاد کرد، اقتصاد هدف قرار می‌گیرد. زیرساخت‌هایی مانند زیر و راه‌ها، مراکز انرژی، خطوط انتقال، مراکز صنعتی، انبارها،هاب‌های لجستیکی، بنادر و مسیرهای تأمین، به همین دلیل جزو اهداف حساس محسوب می‌شوند. در تحولات اخیر نیز برخی زیرساخت‌های حیاتی هدف حمله قرار گرفتند. انتظار بسیاری از ناظران بیرونی این بود که این فشارها باعث اختلال شدید در بازار داخلی شود؛ از کمبود کالا تا بحران انرژی یا توقف تولید. اما چنین اتفاقی خوشبختانه رخ نداد. البته نباید از این موضوع بگذریم که فشار و هزینه در این مدت وجود داشت حتی اختلال‌های مقطعی نیز دیده می‌شد. اما آنچه رخ نداد، فروپاشی سیستم اقتصادی بود.

**چرا اقتصاد ایران ورشکسته نشد؟**

پرسشی که اکنون در بسیاری از تحلیل‌ها مطرح می‌شود، همین است. چرا اقتصاد ایران با وجود فشارهای همزمان، دچار فروپاشی نشد؟ پاسخ را باید در چند عامل جست‌وجو کرد. نخست، اقتصاد ایران بیش‌تر نیز بارها

نوازش

تفاهم اسلام‌آباد؛ حاصل اقتدار میدانی و دیپلماسی هوشمند

## شکست فشار حداکثری در قاب یک توافق



برای هرگونه سناریوی شکست مذاکرات و بازگشت به میدان نظامی را نیز حفظ کرده است.

**حفظ فرمزهای ایران؛ خارج شدن پرونده موشکی از دستور کار**
یکی از مهم‌ترین ابعاد تفاهم اسلام‌آباد به موضوع توان دفاعی ایران بازمی‌گردد. بر اساس چارچوب مورد توافق، مذاکرات آبی تنها در حوزه‌های مندرج در متن تفاهم ادامه پیدا خواهد کرد. این موضوع از نگاه تهران به معنای آن است که برنامه‌های موشکی و پهپادی کشور وارد دستور کار مذاکرات نخواهد شد. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم در پیشنهادهای اولیه

ارائه‌شده از سوی آمریکا، محدودیت‌هایی درباره تعداد و برد موشک‌های ایران مطرح شده بود؛ موضوعی که تهران با آن مخالفت کرد و در نهایت این موارد از روند مذاکرات کنار گذاشته شد.در نتیجه، از دیدگاه ایران یکی از دستاوردهای مهم تفاهم اسلام‌آباد، تثبیت این اصل است که توان دفاعی کشور به عنوان یک مؤلفه بازاردارنده، خارج از چارچوب مذاکرات باقی مانده است.

بعد دیگر اهمیت تفاهم اسلام‌آباد به تحولات منطقه‌ای مربوط باز می‌گردد. در

متن تفاهم، فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و حمایت از گروه‌های مقاومت موضوع تعهدات جدید قرار نگرفته و برخلاف برخی پیشنهادهای اولیه آمریکا، هیچ بندی درباره قطع یا محدودسازی این روابط در توافق گنجانده نشده است. همچنین تأکید بر توقف جنگ و عملیات نظامی علیه بازگرن منطقه‌ای، از نگاه تهران به معنای پذیرش واقعیت‌های جدید میدانی و سیاسی در منطقه است؛ واقعیتی که جایگاه محور مقاومت را در معادلات آینده غرب آسیا تثبیت می‌کند.

**چرا حاشیه‌های سیاسی توافق مهم‌تر از متن آن است؟**

شاید مهم‌ترین دلیل اهمیت تفاهم اسلام‌آباد برای ایران این باشد که پیامدهای سیاسی آن از مفاد فنی متن فراتر می‌رود. در عرصه فنی، تفاهم تنها چارچوبی برای ادامه مذاکرات و حرکت به سمت توافقی جامع‌تر محسوب می‌شود و بسیاری از موضوعات مهم هنوز در مراحل بعدی مورد بحث قرار خواهند گرفت.همزمان در عرصه سیاسی، این تفاهم چند پیام آشکار دارد: تاکناس راهبرد فشار حداکثری، حفظ خطوط فرمز دفاعی ایران، تداوم نقش آفرینی منطقه‌ای تهران و پذیرش گفت‌وگو بر مبنای واقعیت‌های جدیدی که پس از جنگ شکل گرفته است.

برای جمهوری اسلامی ایران ارزش اصلی تفاهم اسلام‌آباد جدا از دقت حداکثری در نگارش و تطبیق آن با منافع ملی، بیشتر در تصویری است که از موازنه قدرت جدیدارائه می‌کند؛ تصویری که نتیجه هم‌اژایی میدان دیپلماسی و انسجام ملی است و می‌تواند مبنای مرحله بعدی تعامل‌ها و مذاکره قرار گیرد.

یادداشت تفاهم اسلام‌آباد در شرایطی به‌نابید ایران و آمریکا رسید که برخلاف خواسته‌های اولیه واشنگتن، نه تنها سناریوی تسلیم‌بدون قید و شرط تهران محقق نشد که چارچوب مذاکرات آینده بر پایه واقعیت‌های جدید شکل گرفته پس از جنگ تنظیم شد. به گزارش ایران‌نا، تفاهم اسلام‌آباد میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را نمی‌توان و نباید تنها یک متن فنی یا یک چارچوب حقوقی برای ادامه مذاکرات در آینده نزدیک دانست. اهمیت اصلی این «یادداشت تفاهم» در پیام سیاسی، امنیتی و راهبردی نهفته در آن است؛ پیامی که پیش از هر بند و ماده‌ای، معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی پس از جنگ را تحت تأثیر قرار داده و تصویری جدید از توازن قدرت در منطقه غرب آسیا ارائه می‌کند. این تفاهم پس از هفته‌ها مذاکره غیرمستقیم با میانجیگری پاکستان و در شرایطی مورد تأیید دو طرف یک منازعه مستقیم نظامی قرار گرفت که واشنگتن در طول ماه‌های گذشته تلاش کرده بود با بهره‌گیری همزمان از فشار نظامی، عملیات روانی و فضاسازی رسانه‌ای، تهران را به پذیرش شرایطی نزدیک به آنچه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای ابتدایی جنگ از آن با عنوان تسلیم‌بدون قید و شرط یاد می‌کرد، وادار کند. روند تحولات میدانی، مقاومت نیروهای مسلح ایران و همچنین همراهی و انسجام اجتماعی در داخل کشور، شرایطی متفاوت را رقم زد. نتیجه این وضعیت این بود که هیئت مذاکره‌کننده ایران توانست با پشتوانه قدرت مثال‌گرفته در میدان، در مقابل مطالبات حداکثری آمریکا ایستادگی کند و شکل تحقق اهداف اولیه واشنگتن شود.

**شکست سیاست فشار حداکثری؛ مهم‌ترین دستاورد یادداشت**

**تفاهم اسلام‌آباد**

اگرچه متن تفاهم اسلام‌آباد شامل مجموعه‌ای از تعهدها، سازوکارها و مراحل اجرایی برای ادامه مسیر مذاکرات است اما مهم‌ترین دستاورد آن را باید در سطحی فراتر از مفاد فنی جست‌وجو کرد.در واقع آنچه برای تهران اهمیت بیشتری دارد، تثبیت این گزاره سیاسی است که آمریکا پس از ماه‌ها فشار و درگیری، ناچار شده بخشی از خواسته‌های اولیه خود را کنار بگذارد و به چارچوبی تن دهد که با اهداف اعلامی آغاز جنگ فاصله قابل توجهی دارد. چارچوبی که اتفاقاً مینا و بسترس آن هم مذاکرات چهارده‌گانه ایران در زمان پذیرش آتش‌بس است.تفاهم اسلام‌آباد بیش و پیش از آنکه یک توافق حقوقی باشد، سندی سیاسی درباره نتیجه وروایوآخر محسوب می‌شود. به همین دلیل ارزش راهبردی آن در تصویر شکست سیاست فشار حداکثری پنهان است؛ تصویری که می‌تواند در آینده به عنوان یک عامل بازاردارنده در برابر تکرار چنین سناریوهایی عمل کند.

**قدرت؛ تضمین اصلی اجرای توافق**

یکی از نکات قابل توجه در ارزیابی تفاهم اسلام‌آباد آن است که تضمین اصلی اجرای آن فقط در قفط در بندهای حقوقی و سازوکارهای مندرج در متن خلاصه نمی‌شود. تجربه سال‌های گذشته و سابقه اختلاف میان ایران و آمریکا نشان داده که توافق‌های زمانی قابلیت اجرا پیدا می‌کنند که از پشتوانه قدرت برخوردار باشند. در چنین صحنه پر فراز و فرودی، آنچه اجرای تعهدات را ممکن می‌سازد نه تنها متن تفاهم اما موازنه قدرتی است که پس از جنگ شکل گرفته و ظرف مقابل را به پذیرش تعهدهای مشخص وادار کرده است. به همین دلیل نیز مقام‌های کشور تأکید دارند که بخشی از دستاوردهای پیشین دیده شده در مراحل بعدی مذاکرات هنوز قطعی نیست و ادامه مسیر نیازمند حفظ انسجام میان دیپلماسی، توان دفاعی و حمایت مردمی خواهد بود. همزمان متن تفاهم به‌گونه‌ای هوشمندانه تنظیم شده که آمادگی لازم

**زیبا ترین جلوه نیکوکاری کمک به بیماران کلیوی می باشد**

شماره حساب بانک ملی جاری ۰۱۰۵۳۹۲۵۵۰۵۵ شعبه مرکزی

شماره حساب بانک صادرات جاری ۰۱۰۲۵۰۷۳۰۸۰۰۰ شعبه مرکزی

شماره حساب بانک رفاه کارگران ۰۲۲۲۰۰۲۰۰ شعبه مرکزی

**زندگی باانتساط سهم هم‌هفست**

تلفن انجمن حمایت از بیماران کلیوی گیلان : ۰۳۳۶۳۸۹۰



## قفل شدگی بازار سهام در سمت تقاضا؛ سهامداران چه می‌خواهند؟

بورس تهران این روزها یکی از کم‌سابقه‌ترین دوره‌های رونق خود را تجربه می‌کند به طوری که رشد‌های متوالی شاخص کل، صف‌های خرید چند ده هزار میلیارد تومانی را در بازار شکل داده است؛ با این حال محدودیت دامنه نوسان و کمبود عرضه سهام، بازار را در وضعیت قفل‌شدگی و تشدید عطش تقاضا شده است.

در روزهای اخیر شاخص کل بورس چندین بار رشد بیش از ۱۰۰ هزار واحدی را تجربه کرده و تقریباً تمامی نمادهای معاملاتی در محدوده مثبت قیمت قرار گرفته‌اند به طوری که شاخص کل بورس از ارتفاع ۵ میلیون واحد نیز عبور کرده و همزمان ارزش صف‌های خرید در برخی روزها به ۴۵ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که از منظر فعالان بازار نشان‌دهنده عطش بالای سرمایه‌گذاران برای خرید سهام و کمبود جدی عرضه در بازار است.

تتشکیل صف‌های طولانی خرید یک پیام به بازار دارد؛ خریداران منتظر عرضه سهام هستند اما عرضه‌های جدید قطره چکانی است؛ این شرایط سبب شده تا سرعت رشد ارزش دارایی‌های سهامداران کند شود.

### رالی صعودی بورس و کوچ نقدینگی

به نظر می‌رسد بازار سرمایه پس از تحولات اخیر سیاسی و اقتصادی با موجی از خوش‌بینی سرمایه‌گذاران مواجه شده است. همین موضوع سبب شده تا بخش قابل توجهی از منابع مالی از بازارهای کم‌ریسک‌تر به سمت بورس حرکت کند. آمارها نشان می‌دهد در روزهای گذشته به طور متوسط روزانه بیش از ۲ هزار میلیارد تومان سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شده که بخش مهمی از آن راهی بازار سهام شده است.

این در حالیکه ارزش معاملات خرد بازار همچنان در محدوده‌ای بسیار پایین‌تر از حجم تقاضای موجود قرار دارد. ارزش معاملات روزانه سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود، اما ارزش صف‌های خرید در برخی روزها تا سه برابر این رقم افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند این فاصله قابل توجه میان ارزش معاملات و صف‌های خرید، نشانه روشنی از قفل‌شدن بازار در سمت عرضه است. بنابراین می‌توان گفت تداوم سبزی‌پوشی بورس، یکی از تاریخی‌ترین رالی‌های صعودی بازار سهام را رقم زده است جایی که شاخص کل با جهش‌های کم‌سابقه بیش از ۱۰۰ هزار واحدی طی روزهای متوالی، رشد روزانه بیش از ۲.۵ درصدی برای نمادگر بازار را رقم زده و همچنین سبب شده تا تقریباً هر روز ۱۰۰ درصد نمادهای معاملاتی به صورت یکپارچه در محدوده مثبت قیمتی قرار بگیرند، اما سهامداران با سد بزرگی نام کمبود عرضه مواجهند و نمادها اجازه رشد بیش از ۳ درصد در ارزش سهام را ندارند.

### پارادوکس نقدینگی و حجم بالای معاملات

کارشناسان بازار سرمایه نکته حیرت‌انگیز بازار سهام را وجود تضاد میان ارزش معاملات و صف‌های خرید می‌دانند. در حالی که ارزش معاملات خرد (مجموع سهام و صندوق‌های سهامی و حق تقدم‌ها) حداکثر تا ۲۰ همت در روز است، اما در مقابل ارزش صف‌های خرید سهام به ۴۰ تا ۶۰ همت رسیده است. کارشناسان می‌گویند مقایسه این دو عدد (چند برابر بودن ارزش صف خرید نسبت به ارزش معاملات) نشان می‌دهد یک «انسان‌د کامل در سمت عرضه» اتفاق افتاده است؛ به عبارت دیگر، ارزش معاملات به این دلیل پایین مانده که فروشنده‌گان با مشاهده هجوم نقدینگی، از فروش دست کشیده و منتظر پیش‌شاهدای بالاتر از سمت خریداران هستند؛ لذا بازار در وضعیت «قفل‌شدگی در خرید» یا قفل‌شدگی از سمت عرضه فرو رفته است.

**دامنه نوسان؛ مانع کشف سریع قیمت**  
به باور بسیاری از فعالان بازار سرمایه، دامنه نوسان فعلی که تغییرات روزانه قیمت سهام را به مثبت و منفی سه درصد محدود می‌کند، مهم‌ترین عامل تداوم صف‌های خرید است؛ آنها معتقدند زمانی که تقاضا برای خرید سهام بسیار بیشتر از عرضه محدودیت قیمتی مانع از کشف سریع قیمت‌ها شده و در نتیجه صف‌های طولانی خرید شکل می‌گیرد. از نگاه این گروه، اگر دامنه نوسان افزایش یابد یا به طور کامل حذف شود، قیمت سهام سریع‌تر به تعادل می‌رسد و بخش قابل توجهی از صف‌های خرید نیز از بین خواهد رفت. به اعتقاد آنان، محدودیت‌های فعلی سبب شده رشد ارزش دارایی سهامداران با تأخیر انجام شود و بازار نتواند به سرعت به اطلاعات و تحولات جدید واکنش نشان دهد.

### مطالبه برای افزایش عرضه

به باور برخی فعالان بازار سرمایه، دامنه نوسان فعلی که تغییرات روزانه قیمت سهام را به مثبت و منفی سه درصد محدود می‌کند، مهم‌ترین عامل تداوم صف‌های خرید است؛ آنها معتقدند زمانی که تقاضا برای خرید سهام بسیار بیشتر از عرضه محدودیت قیمتی مانع از کشف سریع قیمت‌ها شده و در نتیجه صف‌های طولانی خرید شکل می‌گیرد. از نگاه این گروه، اگر دامنه نوسان افزایش یابد یا به طور کامل حذف شود، قیمت سهام سریع‌تر به تعادل می‌رسد و بخش قابل توجهی از صف‌های خرید نیز از بین خواهد رفت. به اعتقاد آنان، محدودیت‌های فعلی سبب شده رشد ارزش دارایی سهامداران با تأخیر انجام شود و بازار نتواند به سرعت به اطلاعات و تحولات جدید واکنش نشان دهد.

مطالبه برای افزایش عرضه  
به باور بسیاری از فعالان بازار سرمایه، دامنه نوسان فعلی که تغییرات روزانه قیمت سهام را به مثبت و منفی سه درصد محدود می‌کند، مهم‌ترین عامل تداوم صف‌های خرید است؛ آنها معتقدند زمانی که تقاضا برای خرید سهام بسیار بیشتر از عرضه محدودیت قیمتی مانع از کشف سریع قیمت‌ها شده و در نتیجه صف‌های طولانی خرید شکل می‌گیرد. از نگاه این گروه، اگر دامنه نوسان افزایش یابد یا به طور کامل حذف شود، قیمت سهام سریع‌تر به تعادل می‌رسد و بخش قابل توجهی از صف‌های خرید نیز از بین خواهد رفت. به اعتقاد آنان، محدودیت‌های فعلی سبب شده رشد ارزش دارایی سهامداران با تأخیر انجام شود و بازار نتواند به سرعت به اطلاعات و تحولات جدید واکنش نشان دهد.

مطالبه برای افزایش عرضه  
به باور بسیاری از فعالان بازار سرمایه، دامنه نوسان فعلی که تغییرات روزانه قیمت سهام را به مثبت و منفی سه درصد محدود می‌کند، مهم‌ترین عامل تداوم صف‌های خرید است؛ آنها معتقدند زمانی که تقاضا برای خرید سهام بسیار بیشتر از عرضه محدودیت قیمتی مانع از کشف سریع قیمت‌ها شده و در نتیجه صف‌های طولانی خرید شکل می‌گیرد. از نگاه این گروه، اگر دامنه نوسان افزایش یابد یا به طور کامل حذف شود، قیمت سهام سریع‌تر به تعادل می‌رسد و بخش قابل توجهی از صف‌های خرید نیز از بین خواهد رفت. به اعتقاد آنان، محدودیت‌های فعلی سبب شده رشد ارزش دارایی سهامداران با تأخیر انجام شود و بازار نتواند به سرعت به اطلاعات و تحولات جدید واکنش نشان دهد.

## پیش‌بینی یک کارشناس از اقتصاد پساتوافق

## حق شناس: شبیه دوره پس‌ابرجام، احتمال دارد رشد دو رقمی شود و تورم تک رقمی

عادی بر می‌گردد، درنهایت به اصلاح بسیاری از شاخص‌های کلان منجر می‌شود و خود به خود تورم کاهش خواهد یافت و نرخ رشد اقتصادی بالاتر خواهد رفت. بنابراین وقتی چالش‌ها و موانعی بزرگ از بین می‌روند، خود به خود مسیر حرکت به جلو فراهم می‌شود و بخشی از مسیر طی می‌شود. عضو هیات علمی دانشگاه با اشاره به اهمیت نقش نرخ ارز در اقتصاد ایران توضیح داد: اقتصاد ما در سال‌های گذشته تحت تأثیر افزایش نرخ ارز و رشد نقدینگی به تورم بسیار بالایی دچار شده است. تورم در گام نخست نرخ ارز را خواهد کاست و از این محل انتظار می‌رود رشد تورم کنترل شود و حتی شاخص کلی آن به جای روند فزاینده فعلی، کاهشده شود. از سوی دیگر وقتی منابع بلوکه شده به اقتصاد وارد می‌شوند، بخشی از نقدینگی موجود را جمع خواهد کرد. بنابراین توافق احتمالی از دو جهت به کاهش نرخ تورم منجر خواهد شد.

در سال ۹۴ هم مذاکرات میان تهران و واشنگتن به امضای معاهده برجام منجر شد. از پی این توافق برای دو سال پیاپی در ۹۵ و ۹۶ تورم تک رقمی شد. اتفاقی که در تمام سال‌های پس از انقلاب تجربه نشده است. در میانه دهه ۹۰ که اوج تورم در ایران بود، امضای برجام زمینه تک رقمی شدن نرخ تورم را فراهم کرد. همزمان نرخ رشد اقتصادی هم به بالاترین نرخ تجربه شده در نیم قرن اخیر تبدیل شد.

حق شناس در مورد این‌که چقدر اثرات تفاهم احتمالی بر اقتصاد مشابه برجام خواهد بود، گفت: احتمالاً با شرایطی مشابه پس‌ابرجام خواهیم بود. در میانه دهه ۹۰ که اوج تورم در ایران بود، امضای برجام زمینه تک رقمی شدن نرخ تورم را فراهم کرد. همزمان نرخ رشد اقتصادی هم به بالاترین نرخ تجربه شده در نیم قرن اخیر تبدیل شد.

حق شناس در مورد این‌که چقدر اثرات تفاهم احتمالی بر اقتصاد مشابه برجام خواهد بود، گفت: احتمالاً با شرایطی مشابه پس‌ابرجام خواهیم بود. در میانه دهه ۹۰ که اوج تورم در ایران بود، امضای برجام زمینه تک رقمی شدن نرخ تورم را فراهم کرد. همزمان نرخ رشد اقتصادی هم به بالاترین نرخ تجربه شده در نیم قرن اخیر تبدیل شد.

حق شناس در مورد این‌که چقدر اثرات تفاهم احتمالی بر اقتصاد مشابه برجام خواهد بود، گفت: احتمالاً با شرایطی مشابه پس‌ابرجام خواهیم بود. در میانه دهه ۹۰ که اوج تورم در ایران بود، امضای برجام زمینه تک رقمی شدن نرخ تورم را فراهم کرد. همزمان نرخ رشد اقتصادی هم به بالاترین نرخ تجربه شده در نیم قرن اخیر تبدیل شد.

## بنزین وارداتی یا توسعه ملی؟ / مسئله‌ای به ارزش ۷۵۰ هزار میلیارد تومان

چنین ظرفیتی می‌تواند به شکل مستقیم بر کاهش ترافیک شهری، کاهش مصرف سوخت و بهبود کیفیت هوای کلان‌شهرها اثرگذار باشد.

چنین ظرفیتی می‌تواند به شکل مستقیم بر کاهش ترافیک شهری، کاهش مصرف سوخت و بهبود کیفیت هوای کلان‌شهرها اثرگذار باشد.

چنین ظرفیتی می‌تواند به شکل مستقیم بر کاهش ترافیک شهری، کاهش مصرف سوخت و بهبود کیفیت هوای کلان‌شهرها اثرگذار باشد.

چنین ظرفیتی می‌تواند به شکل مستقیم بر کاهش ترافیک شهری، کاهش مصرف سوخت و بهبود کیفیت هوای کلان‌شهرها اثرگذار باشد.

## خبر مهم برای کالابرگ بگیران / شیوه توزیع کالابرگ تغییر می‌کند + جزئیات

اجتماعی برای اینکه افزایش مبلغ کالابرگ صرفاً یک عدد نمادین نباشد، سه سناریوی علمی را بررسی می‌کند:

- سناریوی تغذیه: تأمین حداقل کالری روزانه (۲۳۸۶ کیلوکالری) برای هر فرد.
- سناریوی انرژی: جبران تفاوت نرخ ارز ترجیحی با نرخ فعلی بازار برای اقلام اساسی.
- سناریوی تورمی: جبران مستقیم درصد افزایش قیمت کالاها موجود در سبد کالابرگ.

کالابرگ؛ کمک حالی» برای نجات سفره های کم در آمد این تصمیمات در حالی اتخاذ می‌شود که افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی، قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده و فشار معیشتی بر خانوارها دوچندان شده است. در چنین شرایطی، کالابرگ الکترونیکی فراتر از یک ابزار اقتصادی، به عنوان یک «کمک حال» و حاشیه امن برای تضمین امنیت غذایی عمل می‌کند.

اگرچه کالابرگ نمی‌تواند جایگزین سیاست‌های کلان ضدتورمی شود، اما در مقطع فعلی، تنها ابزاری است که می‌تواند به طور مستقیم و سریع، نیازهای اولیه میلیون‌ها نفر از اقشار آسیب‌پذیر را تأمین کرده و از شدت ضربات اقتصادی بر سفره‌های مردم بکاهد.

دولت با تغییر رویکرد به سمت دهک بندی و بررسی سناریوهای مختلف افزایش مبلغ، تلاش می‌کند تا میان «محدودیت بودجه» و «نیاز مبرم مردم» تعادل برقرار کند.

اولویت فعلی این است که وعده‌های داده شده، واقع‌گرایانه و قابل اجرا باشند تا اعتبار تصمیمات دولت نزد جامعه حفظ شود.



گفت: من فکر می‌کنم تفاهم احتمالی پیش‌رو و توافقی که ممکن است پس از ۶۰ روز بعد از آن، امضا شود، اثر مشابه اجرا شدن قطعنامه ۵۹۸ را خواهد شد. البته با ابعادی محدودتر. زیرا ما با تفاهمی دو مرحله‌ای مواجهیم که در گام نخست بناسست جنگ را پایان دهد و در گام بعدی، ظرف حدود ۶۰ روز وارد بحث مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های ظالمانه خواهد شد.

او درباره اثرات این موضوع گفت: همین که جنگ خاتمه یابد و خطر تکرار آن به حداقل برسد و ماجرای تحریم‌های ظالمانه هم فیصله یابد، اقتصاد ایران جان تازه‌ای خواهد گرفت و یک انرژی مضاعف و مثبت به آن تزریق می‌شود که در شرایط فعلی می‌تواند بسیار مثر باشد. اقتصاد ایران ظرفیت‌های خیلی زیادی دارد که در ادامه با پر کردن آنها، اقتصاد با سرعت بیشتری به حرکت خواهد افتاد.

از نظر این کارشناس اقتصاد کلان، اثرات رفع تنش فعلی، به بزرگی اجرا شدن ۵۹۸ نخواهد بود اما این آثار ماندگار خواهد بود و به نحو محسوسی لمس خواهند شد.

حق شناس افزود: همین که مطمئن شویم خبری از جنگ و تحریم نخواهد بود و تجارت خارجی کشورمان به روال

امضای تفاهم احتمالی میان ایران و ایالات متحده اگر به توافقی نهایی بینجامد، شرایطی برای کشور پدید می‌آید مانند دو سال پس از توافق برجام؛ یعنی تورم می‌تواند تک رقمی شود و رشد اقتصادی دو رقمی.

با این که ایران در طول سال‌های گذشته همواره درگیر مذاکره بوده اما در یک سال اخیر دو بار در میانه مذاکرات مورد بورش نظامی ایالات متحده و اسرائیل قرار گرفت. شاید این تجربه موجب شده که وعده اصلاحات ساختاری و حتی مثبتی که از مذاکرات می‌آید، تا امضا نشدن توافق، نگران هستند و احتمال می‌دهند دونالد ترامپ برای بار سوم هم عهدشکنی کند.

با وجود تردیدها و نگرانی‌ها، برای اقتصاد تضعیف شده ایران هیچ نوش‌دارویی بهتر از توافق نیست. به نظر می‌رسد تنها یک توافق می‌تواند فرصت اصلاحات ساختاری و حتی بهبود حکمرانی را فراهم کند. هر چند این احتمال که با رفع مشکل خارجی، اصلاحات داخلی کنار گذاشته شود، کم نیست اما به نظر نمی‌رسد بدون فرصت رفع تحریم و جنگ، در ساختار موجود چاره‌ای جز این، باقی بماند.

هادی حق شناس استاندار گیلان، در این باره به خبرنگاران

تمرکز همزمان بر افزایش تولید و مدیریت مصرف، تنها مسیر پایدار برای کاهش هزینه‌های انرژی واردات بنزین است. طبق اظهارات اخیر وزیر نفت، کشور سال‌هاست با پدیده «ناترازی در حوزه انرژی» مواجه است؛ به‌گونه‌ای که توازن میان تولید و مصرف به‌ویژه در فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین به‌هم خورده است.

وزیر نفت تأکید کرده است که برای حل این وضعیت، دو مسیر اصلی دنبال می‌شود: «نخست افزایش تولید داخلی از طریق توسعه ظرفیت‌های پالایشی و بالادستی صنعت نفت، و دوم مدیریت مصرف و بهینه‌سازی انرژی با هدف کاهش شدت مصرف سوخت در کشور»

وزیر نفت همچنین تصریح کرده است که «بخشی از منابع انرژی کشور صرف واردات بنزین می‌شود و در صورت کاهش نیاز به واردات، این منابع می‌تواند در مسیر بهبود معیشت مردم و توسعه اقتصادی کشور هزینه شود.»

در همین چارچوب، برآوردهای موجود در حوزه انرژی نشان می‌دهد که سالانه حدود ۵ میلیارد دلار ارز کشور صرف واردات بنزین می‌شود.

با فرض نرخ تبدیل ۱۵۰,۰۰۰ تومان برای هر دلار، این رقم معادل حدود ۷۵۰ هزار میلیارد تومان (۷۵۰ تریلیون تومان) در سال است.

این عدد در شرایطی مطرح می‌شود که کشور با محدودیت‌های انرژی و نیازهای گسترده در بخش‌های زیرساختی و رفاهی مواجه است و همین موضوع اهمیت بازنگری در الگوی مصرف سوخت را دوچندان می‌کند.

برای درک بهتر ابعاد این رقم، کافی است اثر آن بر چند حوزه کلیدی اقتصاد و زیرساخت کشور بررسی شود. اگر فرض کنیم میانگین قیمت هر دستگاه اتوبوس شهری بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد تومان باشد، این منابع می‌تواند سالانه امکان تأمین یا نوسازی حدود ۱۵ تا ۲۵ هزار دستگاه اتوبوس شهری را فراهم کند.



کشور به‌طور میانگین بین ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود، این منابع امکان احداث حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر خط مترو جدید را ایجاد می‌کند. این میزان توسعه ریلی در صورت تحقق، ظرفیت جابه‌جایی میلیون‌ها سفر روزانه را از خودروهای شخصی به حمل‌ونقل عمومی منتقل می‌کند و به شکل ساختاری مصرف بنزین را کاهش می‌دهد.

در بخش مسکن نیز این منابع قابل توجه است. با فرض میانگین هزینه ساخت هر واحد مسکونی در بازه ۲ تا ۳ میلیارد تومان، مجموع این منابع امکان ساخت حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار واحد مسکونی را فراهم می‌کند. چنین ظرفیتی می‌تواند بخشی از فشار تقاضای مسکن در کشور را کاهش داده و اثرات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

همچنین در حوزه انرژی‌های نو، این منابع می‌تواند نقش



در همین راستا، سیدعلی مدنی زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی تأکید کرد که وزارت اقتصاد در حال آماده سازی پیشنهادها لازم است و طی دو هفته آینده، طرح نهایی افزایش مبلغ کالابرگ برای دهک‌های پایین به دولت ارائه خواهد شد. وی همچنین اشاره کرد که تلاش می‌شود کالابرگ یک میلیونی برای دهک‌های بالاتر نیز تداوم یابد، هرچند تصمیم نهایی در این مورد منوط به میزان منابع بودجه‌ای است.

به گزارش تسنیم، «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه اجرای این وعده از تعهدات اصلی دولت به مردم است، دستور داد تمامی دستگاه‌ها برای عملیاتی شدن افزایش اعتبار

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور:

۶۰ درصد مردم معتقدند تحمل فشار

اقتصادی بیش از این را ندارند



معاون وزیر و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور با اشاره به نتایج یک پیمایش ملی گفت: حدود ۷۶ درصد مردم پیش از جنگ تحمیلی سوم اعلام کرده بودند که به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند؛ شاخصی که به گفته او یکی از سرمایه‌های مهم اجتماعی کشور به شمار می‌رود.

سید محمد بطحایی، معاون وزیر و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور از رونمایی سامانه‌ای برای رصد مستمر وضعیت اجتماعی در سطح ملی، استانی و محلی خبر داد و گفت این سامانه با تکیه بر داده‌های رفاه اجتماعی، سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، اطلاعات به‌روز و قابل تحلیل را در اختیار سیاست‌گذاران و مراکز علمی قرار می‌دهد.

معاون وزیر کشور در ادامه با اشاره به اهمیت سرمایه اجتماعی در جامعه گفت: سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین دارایی‌های هر جامعه محسوب می‌شود و در ادبیات علوم اجتماعی در سه سطح بررسی می‌شود؛ اعتماد مردم به نظام حکمرانی، اعتماد به نهادهای خدمات‌رسان و اعتماد میان افراد جامعه. یکی از ماموریت‌های مهم وزارت کشور تقویت پیوند میان مردم و ساختارهای حکمرانی و افزایش مشارکت اجتماعی و شنیدن صدای مردم است؛ چرا که بازسازی اعتماد عمومی اگر از مسائل اقتصادی مهم‌تر نباشد، قطعاً کمتر از آن نیست.

بطحایی با اشاره به نتایج پیمایش‌های اجتماعی انجام‌شده اظهار کرد: شاخص سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۴ حدود ۴۳.۵ بوده که این عدد در سال‌های اخیر به حدود ۳۶.۶۶ رسیده است؛

به عبارت دیگر در طول یک دهه گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش در این شاخص مشاهده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد این کاهش بیشتر در سطح اعتماد به ساختارهای حکمرانی رخ داده، در حالی که اعتماد در سطح روابط میان مردم و شبکه‌های اجتماعی خرد افزایش یافته است.

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور همچنین گفت: در آخرین پیمایش‌های اجتماعی، حدود ۶۴ درصد مردم احساس تعلق اجتماعی داشته‌اند که نسبت به پیمایش قبلی حدود ۲۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بطحایی در عین حال خاطرنشان کرد: تنها حدود ۲۵ درصد مردم احساس عدالت و برابری در جامعه دارند؛ به این معنا که حدود سه‌چهارم مردم احساس می‌کنند با نوعی نابرابری یا تبعیض مواجه هستند. همچنین بر اساس این پیمایش‌ها، حدود ۶۰ درصد مردم نسبت به بهبود شرایط در آینده امید چندانی ندارند که این مسئله از جمله چالش‌های مهم اجتماعی محسوب می‌شود.

بطحایی در عین حال گفت: در کنار این چالش‌ها، نتایج پیمایش‌ها نشان می‌دهد حدود ۷۶ درصد مردم اعلام کرده‌اند که به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند که این موضوع یکی از سرمایه‌های مهم اجتماعی کشور به شمار می‌رود.البته این به زمان پیش از جنگ تحمیلی سوم برمی‌گردد.

معاون وزیر کشور تأکید کرد: در جامعه‌ای مانند ایران که دیدگاه‌ها و گرایش‌های مختلف وجود دارد، باید زمینه بیان نظرات موافق و مخالف در فضای آرام و قانونی فراهم باشد تا گفت‌وگو و تعامل اجتماعی تقویت شده و انسجام اجتماعی در کشور افزایش یابد.

بطحایی در ادامه با اشاره به برخی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی گفت: بر اساس نتایج پیمایش‌ها، حدود ۷۰ درصد مردم معتقدند سیاست‌های کلان کشور مناسب‌ترین و کارآمدترین راه برای نجات کشور است.

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور ادامه داد: از سوی دیگر، حدود ۶۰ درصد مردم اعلام کرده‌اند که دیگر تحمل فشار اقتصادی بیشتر را ندارند؛ موضوعی که باید در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مورد توجه جدی قرار گیرد.

بطحایی با اشاره به یکی دیگر از یافته‌های مهم اجتماعی اظهار کرد: با وجود ناراضی‌بانی‌های اجتماعی، حدود ۸۰ درصد مردم گفته‌اند که مخالف برهم خوردن نظم و ثبات اجتماعی هستند.

به گفته وی، این موضوع یک سرمایه مهم برای کشور و نشانه‌ای از اهمیت پایداری نظم اجتماعی در نگاه مردم است.

وی همچنین با اشاره به وضعیت برخی آسیب‌های اجتماعی گفت: در برخی حوزه‌ها، از جمله خودکشی، نشانه‌هایی از افزایش در بعضی استان‌ها مشاهده می‌شود و این موضوع می‌تواند تحت تأثیر ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و روانی باشد.

بطحایی تصریح کرد: همین مسئله نشان می‌دهد که تصمیمات اقتصادی و اجتماعی باید همراه با پیوست اجتماعی باشد؛ چرا که ممکن است برخی تصمیمات در ظاهر به بهبود شرایط اقتصادی کمک کند اما در صورت نادیده گرفتن پیامدهای اجتماعی، آثار منفی دیگری بر جای بگذارد.

به همین دلیل، در ماه‌های اخیر تلاش شده است در فرآیند تصمیم‌سازی، آثار اجتماعی سیاست‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد تا از تشدید آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود و شرایط عمومی جامعه بهبود یابد.



